



تجارت ایرانیان عصر صفوی بر اساس سفرنامه‌ی ژان شاردن

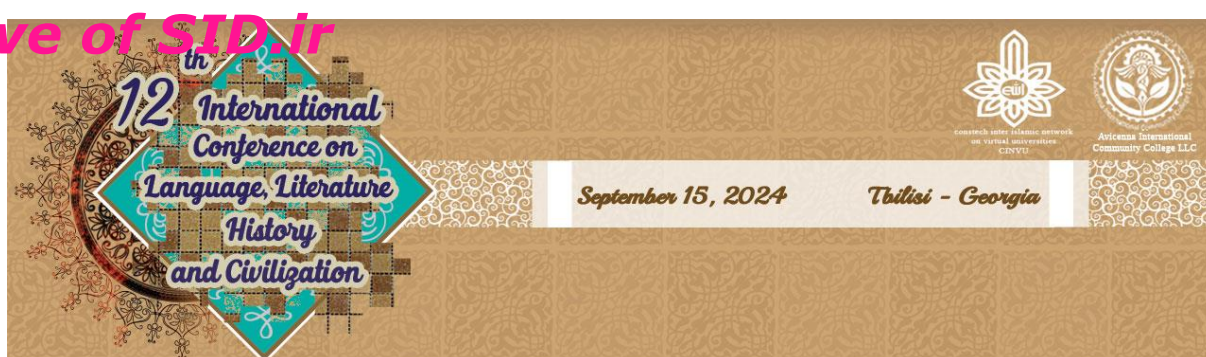
مرضیه شادجو^۱

۱-دانش آموخته کارشناسی آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان تهران پردیس نسیمه

چکیده

برپایی فرمانروایی صفویان که قادر گشت تا بر پهنه جغرافیایی ایران پس از سالها هرج و مرج استیلا یابد، نه تنها از نگرگاه سلطه سیاسی بلکه از منظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در تاریخ ایران و اسلام از اهمیتی خطیر برخوردار است. همچنین شکل گیری این حکومت مقارن با توسعه جهانی و ارتقاء نهادهای سیاسی و اقتصادی در غرب بود. بخصوص که دول اروپایی در راستای افزایش ارتباطات و مراودات جهانی و با هدف پیشبرد اهداف اقتصادی خود دست به گسترش روابط با دولت صفوی زدند و در سمت دیگر هم شاهان صفوی و در راس آنها شاه عباس کبیر، با بکارگیری و نوسازی سیستم تعامل و دادوستد توانست رونق تجاری ایران را در قرن شانزدهم میلادی رقم بزند. دودمان متاخر صفوی اما در پیگیری سیاست نیای خود ناکام ماندند و روند تصاعدی مناسبات تجاری ایران به بن بست رسید. پیرو تعاملات ایران و غرب در این دوره، ما شاهد مسافرت سیاحان، سفیران و بازرگانان غربی به ایران هستیم که امروزه می توان به خاطرات سفر یا گزارش ماموریت ایشان که پس از مراجعت به غرب آن را به نگارش درآورده اند، مراجعه کرد و به اطلاعات ذی قیمتی دست یافت. این پژوهش به روش توصیفی در نظر دارد با بررسی متون کهن و بر پایه روایات و نگرش ژان شاردن، سیاح فرانسوی هم عصر صفویان، به مطالعه در باب تجارت ایرانیان در عصر صفوی بپردازد.

کلمات کلیدی: صفویه، تجارت، سفرنامه، ژان شاردن

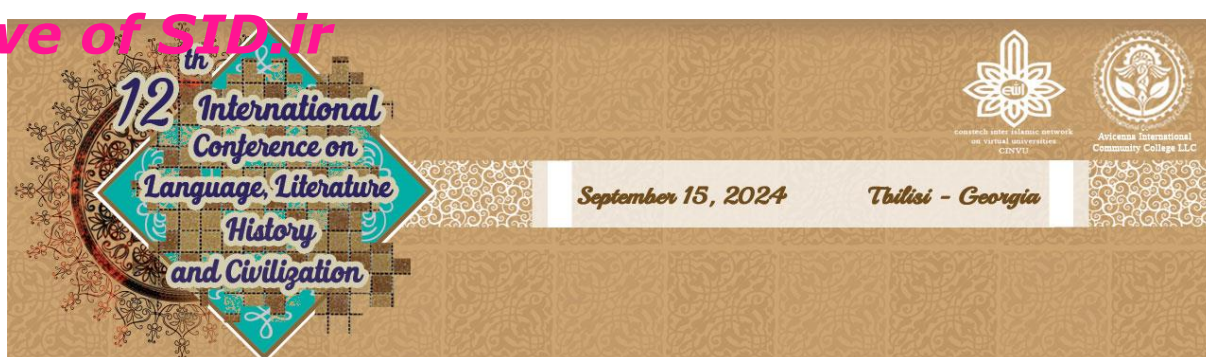


مقدمه

تشکیل حکومت صفویه در آغاز قرن دهم هجری (۹۰۷ ق.) نقطه‌ی عطفی در تاریخ ایران و اسلام به شمار می‌آید. اهمیت دوره‌ی صفویه از این نقطه نظر قابل توجه است که پس از ده‌ها سال حکومت ملوک الطوائفی و جدال خاندان‌های محلی، بالاخره حکومتی متمرکز و متحد در این پهنه جغرافیایی بر سر کار آمد. در این دوره، عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی زندگی ایرانیان، چه در عرصه ملی و چه در عرصه بین‌المللی، همگی متأثر از تلاش‌های شاهان صفوی و نخبگان علمی و عقلی است که در طول مدت دو بیست و چهار ساله (۹۰۷-۱۱۴۸ ق.) زیر سایه‌ی ثبات حکومت توانستند تحول مهمی در تاریخ و فرهنگ ایران به وجود آورند. این امپراتوری به جهت احراز جایگاه رفیع و منزلت بالای خود، گرایشگاه تحولات عمده‌ی سیاسی اقتصادی، اجتماعی و معنوی در منطقه بوده. همچنین اقتصاد منطقه تحت شعاع تولیدات صنعتی ایران بوده و تجارت عمومی با ممالک اطراف و کشورهای اروپایی به نحو بارزی با دارایی‌ها و توانایی‌های ایرانیان عجین شده‌بود. (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۲۲) نهضت بازرگانی که با ایجاد قدرت متمرکز صفوی آغاز شده‌بود یکی از عوامل گسترش روابط ایران با اروپا گردید. بعد از دوران شاه اسماعیل، آوزاه توانایی ایران همه اروپا را فراگرفت و آمد و رفت مردم آن دیار به ایران چه به منظور بازرگانی و چه برای کارهای سیاسی فزونی یافت. (صفا، ۱۳۷۲: ۷۲) ورود سیاحان اروپایی به ایران حاصل شکل‌گیری نظم نوین و نیازمندی جدیدی بود که برای آنها ضرورت شناخت و کسب آگاهی از مردم ایران را ایجاد می‌کرد. عصر صفوی، دوره‌ای بود که اروپاییان علاقه زیادی به آشنایی با شرق نشان می‌دادند و با شوق بسیار به خواندن سفرنامه‌ها و گزارش‌های جهانگردان مبادرت می‌ورزیدند. در نتیجه ما شاهد پیدایش ادبیات سفرنامه‌نویسی و نگارش کتب بسیاری درباره شرح اوضاع و احوال مردمان ایران زمین در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و مذهبی هستیم. ادبیات سفرنامه‌نویسی ترکیبی است از عقاید شخصی مولف، واقعیت‌های پیرامون او و برداشت وی از این واقعیت‌ها که در بازشناسی شناخت، توهمات و تصاویری که در ذهنیت ملت‌ها نسبت به یکدیگر وجود دارد، نقش تعیین‌کننده دارد. (علوی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۸) سفرنامه‌هایی مانند پیترو دلاواله (ترجمه در سال ۱۶۳۱ م.)، آدام اولتاریوس (ترجمه در سال ۱۶۵۹ م.)، انگلبرت کمپفر (ترجمه در سال ۱۳۵۰ ه. ش.)، ژان باپتیست تاورنیه (ترجمه در سال ۱۲۸۹ ه. ش.)، برادران شرلی (ترجمه در ۱۳۳۰ ه. ق.) و ژان شاردن (ترجمه در سال ۱۳۳۵ ه. ش.) از جمله‌ی این موارد است که آگاهی خوبی از اوضاع فکری و اجتماعی جامعه ایران ارائه کرده‌اند.

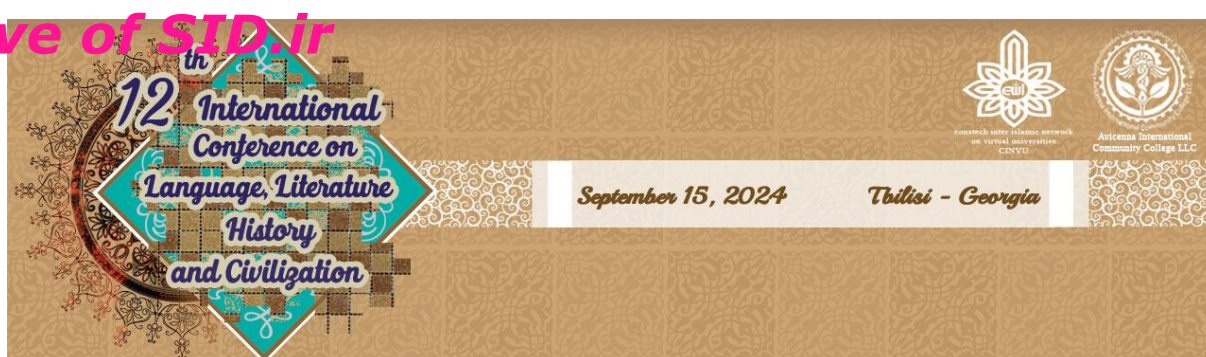
آنچه در پژوهش حاضر آمده در واقع تلاشی برای بررسی نگرش شاردن به تجارت در عصر صفوی است.

ژان شاردن (۱۶۴۳-۱۷۱۳ م.) از مهمترین سفرنامه‌نویسان عصر صفوی است که در زمان پادشاهی شاه عباس دوم و شاه سلیمان به ایران آمد و گزارش‌های مبسوط خود درباره سفر به ایران را در قالب ده جلد به چاپ رساند. هنگامی که شاردن از ایران دیدن می‌کرد، سلسله صفوی بر ایران حکومت داشت که قلمروی وسیع شامل ایران کنونی، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، ترکمنستان، پاکستان و بخشی از ترکیه و عراق را در برمی‌گرفت. سفرنامه‌ی شاردن صرفاً یک گزارش



خشک نیست. بلکه تالیفی است با شرح توصیفی دایره‌المعارف گونه: زیرا شاردن از شیوه‌هایی که خلیقات ایرانیان را در رسوم اجتماعی، اقدامات سیاسی، اصول مذهبی و رفتار انسانی متجلی می‌ساخت، به خوبی آگاه بود. (فری‌یر، ۱۳۸۴: ۳۱) شاردن پیش از هر چیز یک تجارت‌پیشه و یک فروشنده جواهرات و سنگهای قدیمی به شمار می‌آمد که اساساً مهمترین هدف او از مسافرت به شرق، به خصوص ایران، خرید جواهر از هندوستان بود. پیش از او تاورنیه (Jean Baptiste Tavernier)، بازرگان فرانسوی، به دنبال تجارت ابریشم از شرق (هندوستان) به اروپا صاحب ثروت زیادی شده بود. پدر شاردن نیز که جواهر فروش بود با مشاهده موفقیت تاورنیه به فکر افتاد که ثروت خود را در این تجارت سرمایه‌گذاری کند و به همین سبب، شاردن را برای مسافرت به شرق ترغیب کرد. (صفت گل و ساساجیما، ۱۳۷۹، ۸۸) او در طول دو سفر خود به شرق حدود ۱۰ سال از عمر خود را در آسیا و عمدتاً ایران گذراند. شاردن پیش از اینکه به ایران بیاید، در کتب معتبر تاریخی از قبیل کتابهایی که هرودوت و استرابن و گزنفون و پروکوب و آمیان مارسلین نوشته بودند، با تمدن درخشان ایران در عهد باستان آشنا شده بود و این آشنایی پس از ورود به ایران و دیدن امپراطوری صفوی که جانشین واقعی ساسانیان به شمار می‌رفت، تکمیل گردید. (شاردن، ۱۳۳۶، ۶) شاردن به نحو خیره‌کننده‌ای بر علوم و دانش‌های زمان خویش احاطه داشت، در تحقیقاتش کوشا بود، با افراد زیادی شخصاً آشنایی پیدا کرد و به عنوان یک پروتستان فرانسوی دارای عقیده مذهبی پابرجا و سرشتی نیرومند بود. چنانکه دکتر امرسون به حق بیان می‌کند: «اطلاعات او از عصر صفوی از لحاظ گستردگی، عمق دقت و قضاوت صحیح بر همه نویسندگان دیگر غربی رجحان دارد.» (فری‌یر، ۱۳۸۴: ۳۱) او با تالیف سفرنامه ده جلدی خود درباره‌ی ایران تأثیر فراوانی در آشنایی اروپاییان با شرق و بخصوص ایران داشت. ژان ژاک روسو درباره شاردن اظهار می‌دارد که: «شاردن... که همانند افلاطون به سفر رفته، درباره ایران چیزی ناگفته باقی نگذاشته است. برخلاف بسیاری از سیاحان دیگر، که دنیا را دوان دوان درنوردیدند و فقط مثنی دروغ و روایت مسخره با خود آوردند، شاردن تصویر و تصویری کامل از ایران بدست داده است.» (کرویس، ۱۳۸: ۴۶۲)

برای شناخت نهضت اقتصادی جدیدی که موجبات بالندگی و پویایی جامعه ایرانی را رقم زده بود و بنا به توصیف کارشناسان، می‌توان این دوره را سرآغازی بر اقتصاد سرمایه‌داری در ایران دانست، ضروری است تا به متونی مراجعه کنیم که به لحاظ تاریخی قابل استناد باشند و بتوانند اطلاعات حائز اهمیتی بدست دهند. در این حین سفرنامه‌ها به عنوان دستاورد سیاحان اروپایی حاوی انبوهی از اطلاعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مذهبی هستند که هم جای خالی تاریخ اجتماعی در منابع فارسی را پر می‌کنند، چراکه مورخان ایرانی تا پیش از تحولات جهانی در حوزه علم و بخصوص تاریخ‌نگاری تنها به حوادث سیاسی و حکومتی توجه داشتند، و هم استقلال عملی نسبی آنها که وابستگی تجاری و سیاسی خاصی نداشتند موجب گردید تا سفرنامه‌های به جای مانده در بررسی تاریخ اجتماعی و اقتصادی آن دوره اهمیت خاصی داشته باشند. از دیگر سو، مطالعه عصر صفوی به عنوان دوره‌ای که زمینه‌ساز بسیاری از تحولات امروزی در عرصه‌های مختلف زندگی ایرانیان است، اهمیتی دوچندان دارد.



پیشینه

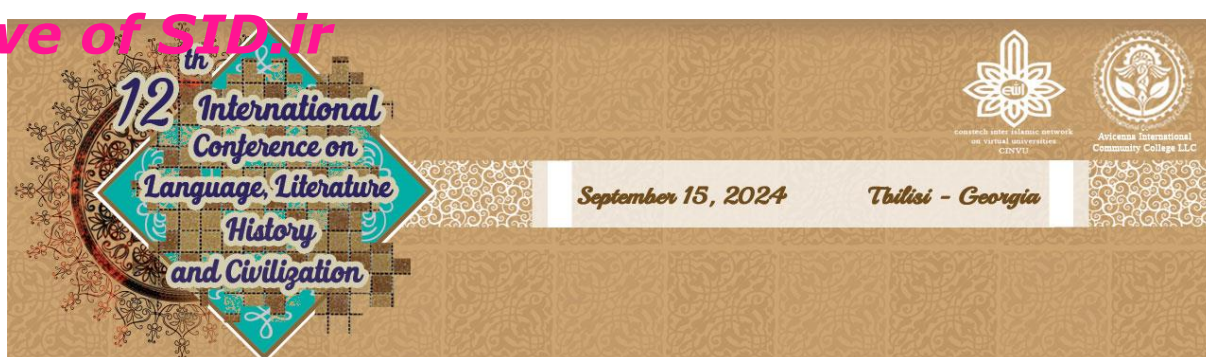
در بررسی پیشینه موضوعی نوشتار حاضر، می‌توان به مقاله «آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی در نگاه ژان شاردن» نوشته‌ی محمدعلی رنجبر و مریم السادات موسوی اشاره کرد. آنها در این پژوهش به طبقه‌بندی و تحلیل آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی در دو حوزه ملی و مذهبی و بررسی مشخصه‌های دیدگاه شاردن در این زمینه پرداخته‌اند. فرزانه علوی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «صویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن تاملی در انگاره‌آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه‌نویس» به بررسی هویت ایرانی میان دو موقعیت شرق و غرب در نگاه شاردن پرداخته و بیان می‌دارد که آنچه در روایت شاردن از ایران و ایرانی، منعکس شده، مطابق با نحوه‌ی بینش جهانگرد و پیش‌فرض‌های ذهنی او در سطح کلان تأثیرات تاریخی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیکی یا تمایلات سلطه‌جویانه اروپاییان در یک مقطع تاریخی مشخص است. مریم سادات موسوی در پایان‌نامه خود به بررسی «آداب و رسوم ایرانیان عصر صفوی بر اساس سیاحت‌نامه شاردن» پرداخته‌است و عنوان می‌کند که شاخصه‌های دیدگاه شاردن نسبت به آداب و رسوم ایرانیان تحت تأثیر عواملی از جمله تمایلات و برداشت‌های شخصی وی، فضای جامعه ایران و اوضاع جامعه فرانسه بوده‌است. عباس زارعی و محسن مومنی در مقاله‌ای با عنوان «نخبگان ایران عصر صفوی از دیدگاه شاردن؛ از اواخر دوره شاه عباس اول تا اوایل دوره شاه سلیمان» به بررسی این قشر در جامعه ایرانی پرداخته‌اند که قزلباش‌ها، نخبگان مذهبی (که به دو دسته وابسته به دربار و مستقل تقسیم می‌شوند) و حاکمان محلی از جمله‌ی آنها هستند. محمدرضا فروزنده تلاش کرده تا از نقطه نظر دیدگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی هم عصر صفوی به اهمیت نقش و جایگاه روحانیون شیعه در دولت صفوی بپردازد. محمد آذرخش حاصل تحقیق خود درباره‌ی مشاغل و اصناف دوره صفوی با تکیه بر روایات و گزارش‌های سفرنامه‌نویسان این عصر از جمله ژان شاردن، انگلبرت کمپفر و تاورنیه به نگارش درآورده‌است. رقیه جوادی و حمید حاجیان‌پور نیز در مقاله‌ی خود با عنوان «هنر معماری اصفهان در سفرنامه‌های عصر صفوی و چگونگی انتقال آنها به اروپا، با مطالعه موردی سفرنامه‌های دل‌واله، تاورنیه، شاردن و سانسون» به بررسی زمینه‌های نفوذ و چگونگی انتقال اندیشه‌های سبک معماری ایران عصر صفوی به اروپا از منظر سفرنامه‌ها پرداخته‌اند. حسنا میرزایی حاصل یافته‌های خود را در مقاله‌ای با عنوان "واکاوی هنرهای سنتی در منابع مکتوب با تأکید بر سفرنامه‌های دوران صفوی" به استخراج اطلاعات حوزه هنرهای سنتی پرداخته‌است. ناعمه علی‌نژاد در پایان‌نامه خود تلاش کرده تا با نگاهی ادبی به بررسی و تحلیل عناصر فرهنگ عامه در سفرنامه شاردن به عنوان یکی از منابع اصلی در بررسی فرهنگ عامه دوران گذشته بپردازد. همچنین پیام نیک‌پور در پایان‌نامه خود با عنوان "بررسی جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی در سفرنامه شاردن در اواخر دوره صفویه" جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی زندگی ایرانیان در دوره‌های پایانی عصر صفوی و دریافت درستی یا نادرستی گفته‌های شاردن پرداخته‌است. شایان ذکر است که تاکنون دیدگاه‌ها و روایات سیاحان اروپایی درباره اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توسط پژوهشگران بسیاری مورد تامل و بررسی قرار گرفته اما تا به حال به طور مستقل، پژوهشی جامع و تحلیلی دقیق درباره تجارت ایرانیان عصر صفوی بر اساس آثار شاردن صورت نگرفته است. پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از روش توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی تجارت



ایرانیان عصر صفوی در دو عرصه ملی و بین‌المللی بر اساس روایت شاردن پردازد و به توصیف درست و دقیقی از آن دست پیدا کند و به شناخت شاخصه‌های نگرشی شاردن نسبت به تجارت ایرانیان دست بیابد.

تجارت عصر صفوی

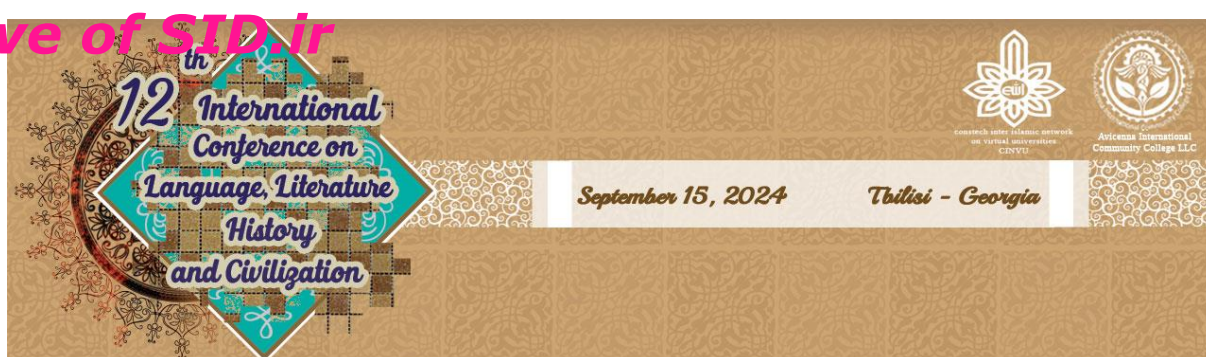
ثبات قدرت دوپست و پنجاه ساله صفوی و پیشگیری نسبی آن دولت از ایلغارها و غارت‌های اقوام نیمه وحشی به ایران، مایه گسترش آبادی و فزونی جمعیت و روایی صنعت و بازرگانی شد. نخستین درخشش‌های این دگرگونی را می‌توان از همان اوایل پادشاهی شاه اسماعیل مشاهده کرد. (صفا، ۱۳۷۲: ۷۲) اصلاح وضع اقتصادی ایران توسط دیگر شاهان صفوی نیز دنبال شد. شاه عباس اول، پادشاه مقتدر صفوی، با اقداماتی نظیر افزایش شبکه کاروانسراها در فواصل مختلف راههای تجاری اصلی، ایجاد یک سلسله از پل‌ها بر روی رودخانه در جاهای استراتژیک، تعمیر جاده‌ها مثل سنگفرش راههایی که در ایالات شمالی ایران، گیلان و مازندران و مرکز ایران ساخته شد و بازاریسازیهایی مسقف که یکی از آنها در اصفهان باقی است، تلاش کرد که اوضاع اقتصادی ایران را جانی تازه ببخشد. «در مشرق زمین بازرگانان در ایام جنگ مصون از تعرض می‌باشند و امنیت عظیمی که در طرق و شوارع آسیا، بویژه ایران حکمفرماست، نتیجه توجه دولت بایشان می‌باشد.» (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۶۵). از آنجا که در سده هفدهم جنگهای بزرگی در این منطقه صورت نمی‌گرفت، صلح بر ایران حکم فرما بود و همین امر زمینه‌ی شکوفایی تجارت را برای صفویان به ارمغان می‌آورد. امنیتی که در سایه‌ی صلح بوجود آمده بود سبب رونق تولیدات کشاورزی و صنعتی می‌شد. رونق گرفتن تجارت زمینه را برای تسهیل مراودات تجاری فراهم کرد و همین سبب ورود کمپانی‌های اروپایی به ایران شد. همین موضوع یعنی افزایش مبادلات تجاری با شرق و غرب به طور مثبتی بر وضعیت اقتصادی ایران اثرگذار بود. برای مثال بخشی از تجارت بنادر عمده بندرعباس و گنگ در سال ۱۶۲۴م. از ۲۲۵ تا ۵۵۰ تومان، در سال ۱۶۳۱م. تا ۳۴۱ تومان، در سال ۱۶۳۴م. تا ۳۴۰ تومان، در سال ۱۶۳۷م. تا ۷۰۰ تومان، در سال ۱۶۴۰م. تا ۶۱۲ تومان، در سال ۱۶۴۳م. تا ۶۳۵ تومان، در سال ۱۶۴۸م. تا ۷۵۰ تومان، در سال ۱۶۵۱م. تا ۸۷۵ تومان و از سال ۱۶۵۲ تا ۱۶۷۲ تا ۱۰۰۰ تومان ارزیابی شده‌است. (کمبریچ، ج ۶، ۲۵۰). پس از شاه عباس، شاه صفی در حالی به حکومت رسید که ایران صحنه‌ی طغیان و قیام‌های محلی بود. استحکام مبانی قدرت دولت ایران تضعیف شده بود و صفاکیش آن را دوره‌ای که به تسویه حساب‌های شخصی و اجرای اوامر سفیهانه شاه گذشته‌است، می‌خواند. شاه عباس دوم زمانی به حکومت رسید که تنها سیزده سال داشت و در دوره‌ی او نیز حکام به سرعت تغییر میکردند و این رویه، عدم ثبات و فساد و رشوه‌گیری را تقویت می‌کرد. (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۲۱۱) این ناامنی به سرعت اثر خود را بر تضعیف اقتصاد ایران گذاشت. شاید قضاوت شاردن مناسبترین حکم درباره عباس اول باشد: «هنگامی که این پادشاه بزرگ از جهان رخت برپست، رونق و رفاه نیز از ایران رخت برپست!» (سیوری، ۱۳۸۵: ۹۹) چراکه ایران در روزگاری که شاردن به آن مسافرت کرده بود در شرایط رونق اقتصادی به سر می‌برد، دولت صفوی مرتباً مالیات دریافت می‌کرد و ارزش پول ثابت بود. (صفت گل و ساساجیما، ۱۳۷۹: ۸۷) حملات روس‌ها که از پس از مرگ شاه عباس شروع شده بود و تا زمان عباس دوم



نیز ادامه داشت، تاثیر بدی بر وضعیت مالی ایران گذاشته بود. به طوری که تنها ظرف دو سال از زمان شاه عباس دوم تا زمان شاه سلیمان هشت هزار تومان فقط از عایدات یک ناحیه کشور کم شده. به همین دلیل است که شاردن با اظهار تاسف از وضع گذشته ایران در سفر آخری که به ایران آمده در باب تفاوت اوضاع اقتصادی این ایام با روزهای طلایی گذشته می نویسد: «من در ۱۶۵۶م برای نخستین بار در زمان شاه عباس دوم وارد ایران شدم و آخرین بار در ۱۶۷۷م در عهد شاه سلیمان از ایران خارج شدم. فاصله کوتاه دوازده سال از آن زمان تا این زمان، ثروت مملکت یک و نیم تقلیل یافته، حتی مسکوکات نیز خراب شده بود. بزرگان و رجال نامدار برای تحصیل ثروت توان مردم را می گرفتند و انواع مکر و حیل در تجارت رونق یافته بود. عایدات گمرکات بندرعباس در زمان شاه عباس دوم بیست و چهار هزار تومان بوده که در زمان شاه سلیمان به ده هزار تومان تنزل یافته بود.» (باستانی پاریزی، ۱۳۹۲: ۲۷۷)

با وجود وضعیت نزولی اقتصادی ایران اما نقاط قوت اقتصاد ایران از دید شاردن دور نمانده است: «کاروانسراس شاهی قزوین ۲۵۰ حجره و یک حوض بزرگ و درختان عظیم دارد. اغلب این کاروانسراها به دستور شاه عباس و بوسیله محمدعلی بیگ خزانه دار بوجود آمده است.» (شاردن، ج ۴) شاردن پیرو شغل خویش که اساساً یک بازرگان بود، توانسته بود در ایران از قدر و منزلت زیادی برخوردار شود و حتی در اولین مسافرتش به ایران از سوی شاه عباس دوم سفارشات دریافت کرد. در اصفهان به او لقب «تاجر شاهی» و «زرگر دربار شاه» عطا کردند. (همایون، ۱۳۸۳: ۱۴۶) به همین تربیت در فصل نوزدهم از این جلد او در ابتدا از اهمیت پیشه بازرگانی در مشرق زمین و علت آن در اذهان عمومی مردم ایران می پردازد. «تجارت را بهترین قسمت از حرفه های تقریباً استوار می دانند، بطوریکه سرنوشت آن چندان در معرض آفات و عوارض نمی باشد... در قلمرو دولتهایی که از یک طرف طبقه اشراف فاقد هرگونه امتیاز است، و بالنتیجه اقتدارات خانوادگی و موروثی بسیار قلیل است، و نیز از طرف دیگر، طبیعت حکومت کاملاً استبدادی و مطلق العنان می باشد، و نفوذ و قدرتی که با اشغال مقامات و مناصب بدست می آید، سخت متزلزل و سست بنیان و بمانند خود مسندها، سریع الزوال است... بهمین جهات بازرگانی در این قست از جهان، بسیار عزیزالقدر، و یک شغل ثابت و مستقلاً بشمار می رود.» (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۶۴). شاردن بیان می دارد که در این عصر بزرگان و حتی پادشاه نیز به تجارت می پردازد و از کشتی هایی مخصوص تجارت برخوردارند. برای مثال او از شاه عباس دوم نام می برد که ابریشم، منسوجات زربفت و سیم بافت و دیگر پارچه های نفیس، قالی و فرش و جواهر می فروشد و این کالاها را برای فروش به سرزمین های همسایه صادر می کند. اهمیت این پیشه به آن اندازه است که برای برخی مناصب درباری مانند سفیران، فردی از طبقه تجار را برمی گزینند.

طرز مذاکرات تجار برای شاردن قابل توجه بوده است: «بازرگانان مشرق زمین با کمال ابهت و عظمت به تجارت می پردازند؛ فی المثل علاوه بر اینکه به تمام نقاط عمال و مستخدمینی اعزام می دارند، و خودشان از محل اقامت خود خارج نمی گردند... به هیچ وجه خود ایشان مستقیماً وارد معاملات نمی گردند... تجارت بوسیله واسطه ها انجام می گیرد و اینان ماهرترین، تودارترین، فرمانبردارترین، حاضر خدمت ترین و معیلت ترین افراد جامعه بشمار می روند، چنانکه دارای زبانی کاملاً چرب و نرم و کشدار و خارج از حد وهم و قیاس نافذ می باشند. اینان را دلال خوانند که بمعنی حراف عظیم است و این لغت



ضد کلمه لال می‌باشد... در یک ضرب‌المثل عامیانه مسلمانان چنین آمده‌است که: در روز جزا دلال لال می‌گردد، یعنی واسطه‌ها یا حرافان از زبان باز خواهند ایستاد، و از تیرئه خود عاجز خواهند ماند.» (همان، ۳۶۶).

شاردن در گزارش‌های خود از ممنوعیت ربا در میان مسلمانان می‌گوید. اینکه آنان بر طبق آیین حضرت محمد (ص) بازرگانی را به مانند دوره بدویت، به طریق مبادله و معاوضه انجام می‌دادند. قانون تجارت میان مسلمانان به هیچ‌وجه سود ربا را تایید و تصویب نمی‌کند ولی معاملات دریایی را با هرگونه سودی، مجاز می‌شمارد. (شاردن، ۱۳۳۶:۱۶۰)

شاردن گزارش‌هایی درباره فعالیت‌های صنعتی و تجاری می‌دهد. هرچند که شاردن اهمیت نقش تاجران را در جامعه تصدیق می‌کرد، در عین حال قایل به استثناهایی نیز بود. وی در این مورد تحت تاثیر مشاهدات و تجربیاتش از مردم مشرق‌زمین به طور اعم، و ایرانیان به طور اخص قرار گرفت. شاردن می‌دانست که آگاهی از مهارت‌ها و شیوه‌های فردی از یکسو و نظام سازمان‌دهنده داد و ستدها از سوی دیگر اهمیت دارد. استدلالی که وی برای عقاید خود در این موارد می‌آورد چنین بود: «نکته نخست آن است که شرقیها ذاتا تنبل و سستند، کار نمی‌کنند و آرزویشان از حد ضروریات فراتر نمی‌رود. آن همه آثار هنری مثل نقاشی، مجسمه‌سازی، کنده کاری و بسیاری از هنرهای زیبای دیگر که تقلید ساده و واضح از طبیعت باعث جذابیتشان گردیده‌است، نزد آسیاییه هیچ ارزشی ندارد. آنها معتقدند که چون این هنرها هیچ یک از نیازهای جسمانی را رفع نمی‌کند، شایسته توجه فراوانی هم نیست. خلاصه اینکه آنها هیچ علاقه‌ای به این آثار هنری ندارند و تنها امور جسمانی توجیهشان را جلب می‌کند. به همین دلیل هنرهای آنها چندان توسعه پیدا نکرده‌است. با این وجود شرقیها خوشفکر، تیزهوش، صبور و صریحند و چنانچه پاداشی در کار بود، به موفقیت‌های شگفت‌انگیزی دست می‌یافتند.» (فری‌یر، ۱۳۸۴:۳۱۴)

تجارت خارجی ایران در عصر صفوی با اجرای سیاست‌های شاهان صفوی توانسته بود بسیار پرورنق شود. در این زمان ایران با برقراری ارتباط با بخارا و بلخ و سایر خانات آسیای مرکزی توانسته بود راه‌های تجاری را امن و مسیر تجارت را گشوده نگاه دارد. سیاست‌های تشویقی شاه عباس توانسته بود کمپانی‌های تجاری انگلیسی و هلندی را وارد صحنه اقتصادی ایران کند. سیوری فرمانی از عباس اول به رعایای خود ارائه می‌دهد: «تا آنجا که می‌توانید... فرنگی‌های انگلیسی را با گرمی پذیرا شوید و سایل آسایش آنها را فراهم کنید، هر وقت کشتی یا محصولات آنها به جاسک یا هر بندر دیگری در قلمرو سلطنت ما می‌رسد آنان و کالاهایشان را به هر محل یا محل‌هایی که تمایل دارند برسانید و مراقب باشید که در سواحل ما از آنها در برابر دیگر فرنگی‌ها، هر کس که باشد، دفاع شود.» (سیوری، ۱۳۸۵:۱۰۹) بعدها کمپانی‌های فرانسوی و پرتغالی نیز در ایران از طریق راه‌های دریایی به امر تجارت مشغول شدند. ترکیه، روسیه، آسیای مرکزی و هند نیز از دولت‌هایی بودند که ایران عصر صفوی از طریق راه‌های خاکی با آنها در ارتباط بود. «در ایران بازرگانانی هستند که دارای عمال و نمایندگان مخصوص در سرتاسر جهان، از سوئد تا چین می‌باشند... دادوستد از طریق خود متعاملین با کمال سهولت انجام، و همه چیز لازم با اطمینان کامل تهیه می‌گردیده‌است. بعلاوه اروپا در مقام مقایسه با مشرق زمین، مخصوصا از حیث مسافرت، یک سرزمین پرخرجی می‌باشد.» (شاردن، ۱۳۳۶:۳۷۲) در بخش صادرات ایران نیز به کشور هند اقلامی چون: تنباکو، انواع میوه، خشکبار، ترشی، مربا، خرما، به، شراب و سایر مشروبات الکلی، اسب، چینی‌آلات، قلم و کلاه‌های چرمی



به رنگهای مختلف که در روسیه و اروپا بازار خوبی داشت. از میان صادرات ایران به عثمانی می توان تنباکو، مواد رنگی، نخ، منسوجات بافته شده از موی بز، وسایل ساخته شده از نی، حصیر، انواع ابزار، شمش فولاد، آهن پرداخت شده و ابزار مخصوص تراش دادن را نام برد. صدور فولاد و ابزار و آلات آهنی با وجود ممنوعیت آن، ادامه داشت. ایران به روسیه هم انواع ابریشم و سایر منسوجات و پوست گوسفند صادر می کرد. « تجارت به روش حق العمل یا مبادله مکاتباتی، عملاً ناشناخته است ولی چنانچه ذکر کردم تاجران خودشان به فروش کالایشان اقدام می کنند یا به اصطلاح خودشان نمایندگان یا فرزندانشان را می فرستند. برخی از تاجران ایران در سراسر دنیا از سوئد گرفته تا چین نماینده دارند.» (همان، ۱۶۵) شاید حیاتی ترین یاری شاه عباس به اقتصاد ایران، در درازمدت، وارد کردن ارمنیان به ایران باشد. او برای جبران خساراتی که از سوی ترکان مهاجم بر او تحمیل شده بود، بالااجبار هزاران نفر از ارمنیان مرزهای شمال غرب ترکیه را از زادگاهشان کوچاند و در گیلان، مازندران، اطراف اصفهان، اذربایجان و کردستان جای داد تا صنعت تولید ابریشم را رونق بخشند. ارمنیان به غیر از مقتصد بودن و سخت کوشی و باهوشی، به دلیل مسیحی بودنشان با اروپائیان ارتباط راحت تری داشتند. برخی از آنها در ترکیه، که سهمی مضاعف در حیات تجاری آن داشتند، و پاره ای دیگر در هند و ماورای آن ساکن بودند. (کمبریج، ج ۶: ۲۴۶) شاردن این موضوع را اینگونه بیان می دارد: «مسلمانان بازرگانان عمده آسیا بشمار نمیروند، در صورتیکه در سرتاسر این قطعه پراکنده اند و مذهب ایشان دین رسمی دولتهایی است که بر این قسمت قاره مذکور حکمفرمایی می کنند، بعضی از اینها بسیار شهوتران و برخی دیگر بسیار فیلسوف می باشند. و حوصله بازرگانی بویژه باممالک خارجی را ندارند؛ بالنتیجه در ترکیه سررشته تجارت عمده خارجی در دست مسیحیان و یهودیان، و در ایران در اختیار مسیحیان و هندیان غیرمسلمان است.» (شاردن، ۱۳۳۶: ۳۶۶ و ۳۶۷)

شاردن از شیوهی پرداختها در ایران اینگونه سخن به میان می آورد که: «تمام پرداختها با نقره (مسکوک) انجام می گیرد و سکه طلا در تجارت رواج ندارد. ایرانیان پول را نمی شمارند بلکه با واحد وزن تومانی، که پنجاه عباسی یا مسکوک هیجده سوتی است، انرا وزن می کنند. بدین ترتیب هرگاه مسکوکات تقلبی باشند به راحتی در وزن نمودار می شد.» (همان، ۱۶۱) "از نوشته های شاردن چنین برمی آید که اسلام تقریباً بر یک اقتصاد غیر پولی بنا شده بود که بیشتر به داد و ستد دام و اسب می پرداخت و چون پیامبر اسلام انتظار نداشت دینش در سراسر جهان گسترده شود، گمان نمی نمود آنچه که برای آن موقع مناسب بود، برای عده ای مشکل ایجاد کند. در واقع راههای زیادی برای فرار از چنگ قانون شرع، حتی در دادگاه و با تدبیر همه طرفهای دعوی وجود داشت." (فری یر ۱۳۸۴: ۱۶۲) شاردن در کتاب خود از اوزان و مقادیر نقود ایران، واحد طول و سطح ایرانی، واحد پیمان، واحد پولی (دینارشرعی، دینار عرفی، بیستی، تومان عباسی، شاهی، محمودی، غزبی) و مهر و نشان پول ایران نیز سخن به میان می آورد. او همچنین در مواردی این اسامی را از منظر ریشه لغوی آنها بررسی می کند و در صورت وجود، به بیان اشتراکات میان زبان فارسی و فرانسوی می پردازد.

ابریشم عمده ترین کالای تجارتهای ایران به حساب می آمد. « ایران سرشار از ماده اولیه ابریشم است و ایرانیان در تولید آن بیشترین مهارت را دارند و مهمترین کارخانه های مملکت به آن اختصاص داشت.» (شاردن، ج ۴: ۱۳۶) در زمان شاه عباس - اول تجارت آن به طور انحصاری در دست شاه بود اما در دوران بعد از او این رویه تغییر کرد و افراد متوسط مملکت نیز

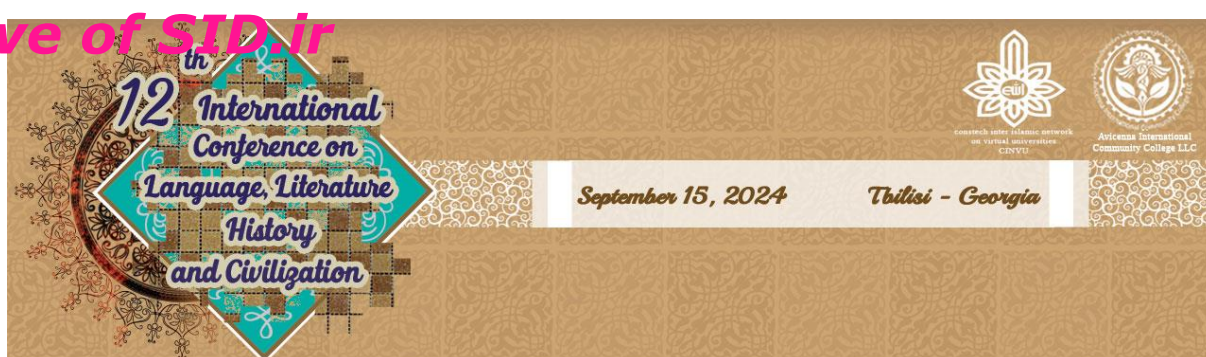


می توانستند از منافع آن بهره ببرند و انهایی که صاحب ابریشم بودند به هر کسی که دلشان می خواست می توانستند محصول خود را بفروشند. این محصول به مقدار زیاد به ترکیه صادر می شد و در آنجا بخشی از آن در صنایع ابریشمی ترکیه که در بورسه متمرکز بود، مصرف می گشت و بخشی دیگر نیز توسط تجار ونیزی خریداری می شد تا از آن طریق وارد بازارهای اروپا گردد. (کمبریج، ج ۶، ۲۳۰) «بر حسب احصائیه، ایران سالیانه بیست و دو هزار عدل محصول ابریشم دارد؛ و هر عدلی بوزن دویست و هفتادوشش لیور^۱ است... و چهار قسم ابریشم وجود دارد: شیروانی، خرواری، کدخداپسند و شعرباف.» (شاردن، ۱۳۳۶، ۳۷۰).

درباره نظم و نسق و سازمان کار صنعتگران و کارگران ایرانی، شاردن بیان می دارد که: «هر رشته ای از صنعت رئیسی دارد که از میان صنایع مربوطه، از طرف شاهنشاه برگزیده شده و سازمان اقتصادی یا اداره صنعتی ایرانیان با همین تمام میشود. تشکیلات اجتماعی و اتحادیه بمعنای واقعی ندارند، چون به هیچ وجه اجتماع نمی کنند. کارگران و پیشه‌وران فاقد ضابطین خاص و مفتشین مربوطه می باشند، و فقط آداب چندی را که رئیس صنف مربوطه (فی‌المثل زرگرباشی، صباغ‌باشی و الخ.) مقرر داشته، رعایت می کنند از قبیل اینکه همیشه بایستی میان دکاکین و پیشه‌وران یک دسته، فاصله معینی وجود داشته باشد، هر کسی می خواهد دهکده ای در یک رشته از صنایع دستی افتتاح کند، پیش رئیس دسته مربوطه می رود، اسم و رسم و محل سکونت خویش را به ثبت می رساند و وجه قلیلی از این بابت می پردازد.» (همان، ۲۹۹).

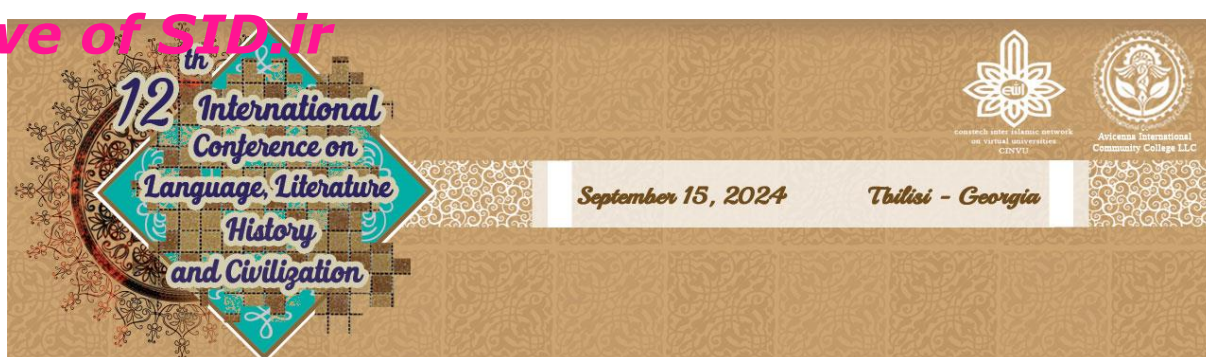
شاردن شرح میدهد که تجارت در مشرق زمین توسعه پیدا نکرده و پست‌های زیادی در تجارت وجود نداشت با این حال پیک‌ها، که شاطر نامیده می شدند برای رساندن محموله‌های تجاری بکار گرفته می شدند. آنها معمولاً از قشر فقیر جامعه بودند که شغل خود را از پدران خود به ارث می بردند. شاردن در وصف جاده‌های مواصلاتی می گوید که شهرها با یکدیگر فاصله‌ی زیادی داشتند و شاطرها باید مسافت‌های زیادی را طی می کردند. اما با این وجود، اجرت شاطرها برای سفری یک روزه و به حساب شاردن سیصد لیگ فرانسوی، تنها سی فرانک بود. (فری‌یر، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

^۱ Livre لیور معادل تقریبی نیم‌کیلوگرم است.



نتیجه گیری

در بررسی اقتصاد عصر صفوی، با ارزیابی دقیق سفرنامه ژان شاردن، درمی یابیم که اقتصاد این عصر با ظهور حاکمی قدرتمند به نام شاه عباس صفوی توانست به سیستمی با کارکرد مثبت بدل گردد که توان رقابت با کشورهای اروپایی را داشت. تغییرات جهانی ضرورت گسترده مبادلات و مراودات جهانی را بوجود آورد که با توجه به نقش کریدوری ایران و قرار گرفتن آن بر سر راه های تجارت جهانی، اقتصاد ایران را رونق داد. از سویی دیگر، شاردن اهمیت تجارت و تاجر در جامعه ایرانی، شیوه های تجارت، نحوه پرداخت ها، مقادیر نقد ایران و در بخش تجارت خارجی اقلام صادراتی و ورود کمپانی های خارجی به ایران را بیان می کند. در سمت مقابل سیاحت شاردن از اوضاع ایران در فواصل زمانی یازده ساله، او را به سمت مقایسه و ارزیابی سیاست های اقتصادی شاهان متقدم و متاخر صفوی سوق داده است. آنچه از نوشته های شاردن درباره تجارت عصر صفوی برمی آید این است که سیستم تجاری ایرانیان متأثر از آموزه های اسلامی است که توسط حاکمان مسلمان این عصر به اجرا درمی آیند. بالنتیجه، پژوهشگران حوزه اقتصاد و تجارت می توانند به مطالعه ابعاد گوناگون این مهم و تحولات اقتصادی عصر صفوی، برای اثرگذاری مثبت بر اقتصاد کنونی جامعه اسلامی ایران بپردازند و از آن بهره مند شوند.



منابع

۱. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۲) سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران، نشر صفی علیشاه
۲. جکسون، پیترو و لاکهارت، لارنس (۱۳۸۸). تاریخ ایران کمبریج (ترجمه تیمور قادری)، تهران، نشر مهتاب (۱۹۶۸-۱۹۸۹م)
۳. سیوری، راجر مروین (۱۳۸۵)، ایران عصر صفوی (ترجمه کامبیز عزیزی)، تهران، نشر مرکز، (۱۹۸۰م) شاردن، ژان (۱۳۴۵). سیاحت نامه شاردن، (ترجمه محمد عباسی)، تهران: نشر امیر کبیر. (۱۶۷۶م)
۴. صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۶) تاریخ ادبیات ایران، تهران، نشر فردوس
۵. صفاکیش، حمیدرضا، (۱۳۹۰)، صفویان در گذرگاه تاریخ، تهران، نشر سخن
۶. صفت گل، منصور و تاته رو ساساجیما (۱۳۷۹). «زندگانی ژان شاردن» کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۳۷ و ۳۸، ۸۶-۹۲
۷. فری، رانلد دلبیو، (۱۳۸۴)، سفرنامه شاردن: برگزیده و شرح، (ترجمه حسین هژبریان و حسن اسدی)، تهران، نشر فرزانه روز، (۱۹۹۶)
۸. علوی زاده، فرزانه (۱۳۹۳)، تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه ژان شاردن؛ تاملی در انگاره آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه نویس، جستارهای ادبی، ۱۸۵، ۱۴۷-۱۷۰
۹. کرویس، دیرک وان (۱۳۹۶). شاردن و ایران: تحلیلی از اوضاع ایران در قرن هفدهم میلادی، (ترجمه حمزه اخوان تقوی)، تهران: نشر فرزانه روز، (۱۹۹۸م)
۱۰. کمپفر، انگلبرت (۱۴۰۰) سفرنامه کمپفر، (ترجمه کیکاووس جهاندار)، تهران، نشر خوارزمی، (۱۶۸۴-۱۶۸۵)
۱۱. همایون، غلامعلی (۱۳۸۳)، اسناد مصور اروپاییان ج ۲، تهران، نشر دانشگاه تهران
12. Samuel Purchas Hakluytus Posthumus or Purchas his Pilgrimages .20 vols. (Glasgow 1905-71) vol. IV